

او آمده بود تا برای همیشه بماند

یاد بودی برای رهبر شهیدمان که۲۹فروردین ۱۳۱۸زاده شد تا پدر ایران باشد



آیت‌الله خمینه سکنی

بیست و نهمین روز از فروردین سال ۱۳۱۸ وقتی دانه دانه قطره های صبر روی پیشانی گُرگرفته خدیجه خانم نشست ، هیچ کس نمی دانست آن جنینی که دارد برای بیرون آمدن تقلا می کند . چه سرنوشتی خواهد داشت. آقا سیدجواد آن شب برای دومین بار قرار بود از دستان لرزان خدیجه خانم. قنداقه کودکی را بگیرد و در گوشش اذان بخواند. کودکی که سال ها بعد خودش اذان نوازان بی شماری بود که نامشان را بر قنداقه شان ستجاق می کرد.سیدی که پدرمعنوی نوزادان وکودکان بسیار بود . هرسال ، همین وقت از بهار ، تقویم به آخرین روزهای فروردین می رسید و یک شمع روی یک نداشته او می نشست و تقویم یک سال به عمر پرفرازونشیبش اضافه می کرد و آن وقت میان لبخندهای میلیون ها هوادار دلداده ، یک ترس و شُکر توأمانی می ریخت که یک سال دیگر او را داشتیم و آخ از ساعت شنی عمر که به سرعت می گذرد و امان از ورق های آخر عمرودل های بی قرار فروردین سالی که گذشت ، همه برای هشتادوششمین فرصت تماشای لبخند او ، رو به آسمان می کردند و زیر زبانشان طعم شیرینی تر می دود.

انگار او آمده بود تا برای همیشه بماند. یک نامیرایی عجیبی توی نگاهش داشت . اصلا این خاصیت بزرگ ترهاست. آدم خیال می کند همیشه هستند. نگاه به چشمان پدر می اندازی و حتی اگر چین و چروک ها ، حلقه نگاهش را محاصره کرده باشند ، باز فکر می کنی حالاحالاها این نگاه ، مراقب توست. اما القصه روز واقعه از راه می رسد.آخرین برگ دفتر عمر را به یک اشاره جدا می کند و در سوز ابدی اسفند ، به



کوچه

ارتش در شکوه اسوه و مانایی اسطوره

نیست ، اینجا با یک «قرارداد عاطفی- فرهنگی» روبه رو هستیم. شعار «ارتش فدای مردم ، مردم پناه ارتش» را باید در همین چارچوب فهم کرد؛ گزاره ای که از سطح شعار عبور کرده و به یک «گفتمان زیسته» بدل شده است. این گفتمان ، در روزگار ما ، دلالت های تازه تری یافته است. آنجا که ارتشیان ، در پایگاه های پداقندی و بر سکوی لانچرها ، در برابر قدرت شیطانی استکبار و صهیونیسم ایستاده اند. در واقع در حال بازتولید همان حماسه ای هستند که در ادبیات کهن ، با شمشیر و سیر روایت می شد. امروز ، ابزارها تغییر کرده ، اما «روح حماسه» همچنان زنده است. این ایستادن ، نه صرفا یک مأموریت ، که «جهاد معنا» است ؛ تلاشی برای حفظ توازن میان امنیت و کرامت. در سوی دیگر ، مردم نیز از جایگاه تماشاگر بیرون آمده اند و به کنشگران میدان قدرت سازی بدل شده اند. حضور آن هادر صحنه

ایمان و آگاهی. شهد میوه های این درخت ، همان امنیتی است که ذائقه زندگی را برای مردم ، شیرین و قابل زیستن می کند. نام ارتش ، تولیدکننده معناست و معنای آن ، مولد قدرت ؛ اما این قدرت ، صرفا سخت افزاری و نظامی نیست ، بلکه در لایه های عمیق تر ، برآمده از سرمایه نمادین و فرهنگی است. ایران ، با تکیه بر این سرمایه چندلایه ، ارتش ، سپاه و فراجا ، به اقتداری دست یافته که می توان آن را «اقتدار درون زا» نامید ؛ اقتداری که از بطن فرهنگ برمی خیزد و به همین سبب ، توان پاسداری از مرزهای جغرافیا و هویت را توأمان داراست. در این میان ، ارتش جمهوری اسلامی ایران را می توان چونان «پرچم در اهتزاز معنا» خواند ، پرچمی که زمین نمی افند ، چون که در دست روایتگرانی است که خود ، بخشی از روایت اند. نسبت ارتش با مردم ، نسبتی صرفا کارکردی

ارتش ، در سپهر معنایی این سرزمین ، واژه ای صرف نیست ؛ نشانه ای فرهنگی است ،

دالّی بر مدلولی سترگ که در حافظه تاریخی ایرانیان ، با حماسه و حراست درآمیخته است. در خوانش فرهنگی این مفهوم ، ارتش را باید نه فقط یک نهاد نظامی ، که یک «متن زنده» دانست ؛ متنی که سطرهایش با

خون غیرت نوشته شده و در حاشیه هایش ، نام دلاورانی که مرز اسوه و اسطوره را درنوردیدند و به نیک نامی مانایی یافتند. در کنار این دو ، شکوه مردم به مثابه صاحبان اصلی روایت ، نقش بسته است. این شجره طیبه ، ریشه در خاک اسطوره و تاریخ دارد ؛ از روزگار حماسه های کهن تا اکنون ، که روایت مقاومت ، همچنان ادامه دارد. در این امتداد ، ارتش به مثابه یک «قهرمان جمعی» ظاهر می شود ، نه قهرمانی فردی در هیئت یک تن ، بلکه قهرمانی در قامت یک ملت مسلح به



روزنامه نگار غلامرضا تباطبعی

روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی صاحب امتیاز شهرداری مشهد مدیرمسئول سید میثم موسوی مهر سردبیر سید سجاد طالع هاشمی

شبه سال هفدهم ۲۹ فروردین ۱۴۰۵ ۲۹ شوال ۱۴۴۷ شماره ۷۷۷۷

Mashhadchehreh.ir Photoshahr.ir

نشانی: خیابان کوهسنگی ابتدای کوهسنگی ۱۵ دفتر مرکزی: ۰۵۱-۳۷۲ ۸۸۸۸-۱۰۵ نمایر: ۰۵۱-۳۸۴۹۰۳۸۴ روابط عمومی: ۰۵۱-۳۸۴۸۳۷۵۲ شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹

سایت شهرآرآنیوز را با اسکن این کد دنبال کنید

میتوانم اخلاق حرفه ای

اوقات شرعی مشهد

● **اذان ظهر** ۱۱:۳۰:۵۳ ● **غروب آفتاب** ۱۸:۰۷:۴۵ ● **اذان مغرب** ۱۸:۲۶:۳۹ ● **نیمه شب شرعی** ۲۲:۴۵:۵۱ ● **اذان صبح فردا** ۰۳:۲۳:۵۷ ● **طلوع آفتاب فردا** ۰۴:۵۴:۰۱

امام سجاد(ع)

خداوند به خاطر قضاوت عادلانه اش ، از ظالم انتقام می گیرد.

تفسیر امام حسن عسکری (ع) ، صفحه ۳۴۹ ، حدیث ۲۳۲

شهید مفقود الاثر ماکان نصیری

تاریخ تولد: ۱۳۹۷/۱۲/۹

تاریخ شهادت: ۱۴۰۴/۱۲/۹

محل تولد: میناب

محل شهادت:

مدرسه شجره طیبه میناب

در پی تجاوز رژیم صهیونی

و آمریکای جنایتکار

به خاک شهرستان



بی درنگ های
روزهای جنگ

واقعا و دیگر هیچ

چه چیز می تواند آدمی را به جایی برساند که مادرش را بفرودش؟ کدام عامل درونی می تواند موجب شود ایرانیانی که سال هاست در خارج از ایران زندگی می کنند ، از رؤسای کشورهای دیگری بخواهند به وطنشان حمله کنند؟

از کینه گفتیم و از میل به انتقام. از کینه ای که ناشی از ظلم ، تبعیض یا تحقیر است. از دانشجوی ستاره دار ، از استاد دانشگاه اخراج شده ، از روزنامه نگار و فعال اجتماعی مورد تبعیض واقع شده ، از فعال سیاسی رد صلاحیت شده و ...

اما آیا مورد ظلم واقع شدن آدمی ، می تواند ظالم شدنش را توجیه کند؟ آیا کینه می تواند دلیل موجهی باشد برای هم صدا شدن با



شاعر و نویسنده امید مهدی نژاد

دشمن غدار؟

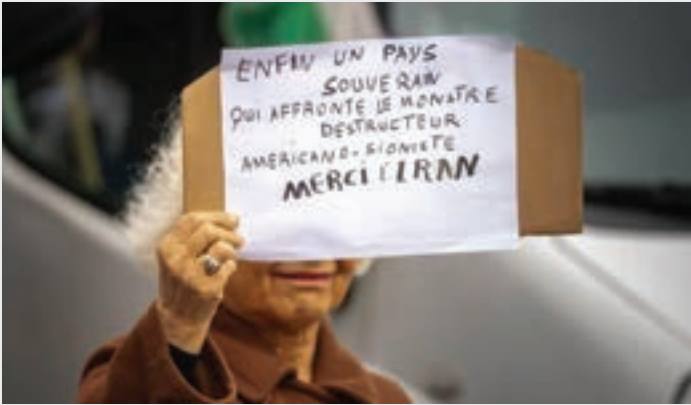
در همین جنگ تحمیلی سوم کم نبودند انسان های شریفی که به ظلم از وطن رانده شده بودند و به تلخی غربت اختیار کرده بودند. اما تمام قدر دفاع از وطن ایستادند ، گفتند و نوشتند و خواندند و فحش و ناسازی دهان دریدگان بی وطن را به جان خریدند. از دکتر عبدالکریم سروش ، تا محسن نامجو. کسانی که از راه زمینی به کشور بازگشتند تا در روزهای سخت همراه هم وطنانشان باشند. نمونه اش جعفر پناهی. و جالب تر اینکه بسیاری از کسانی که با حمله به ایران همراهی کردند و پیش از آن برای راه انداختن جنگ داخلی جنجره ها دریدند و با خون جوانان وطن کاسبی کردند ، که نه تنها تبعیض و تحقیری در حقشان نشده بود ، بلکه تا بودند سر در آخور داشتند و به خرج همین مملکت نام و نان اندوخته بودند. فرخ نژادها و کریمی ها و علی کریمی ها. که این آخری تا همین چند سال پیش می خواست رئیس فدراسیون فوتبال هم بشود. اما بگویم فهمید آخوندها مملکت را اشغال کرده اند و رفت تا از راه دور مملکت را آزاد کنند.

واقعا و دیگر هیچ.

گرام کردی

پیام تشکر یک زن فرانسوی برای کشورمان

ایران با هیولای آمریکا و اسرائیل مقابله کرد



یک زن فرانسوی در تجمع حامیان ایران در پاریس دست نوشته ای به همراه داشت که توجه بسیاری را به خود جلب کرد و در فضای مجازی بازدید و بازنشر میلیونی داشت. او روی یک کاغذ مقوایی نوشته بود: «بالاخره یک کشور مستقل با هیولای ویرانگر آمریکایی - اسرائیلی به مقابله برخاست؛ مرسی ایران!»